

fidh

LDDHI

جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران

(عضو فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر)

League for the Defence of Human Rights in Iran
(FIDH Member)



ایران:

پس از ۲۵ سال، هنوز اثری از عدالت نیست

مرتکبان اعدام های ۱۳۶۷ هنوز هم از مجازات معاف هستند

فهرست

- ۳..... مقدمه
- ۳..... زمینه: ۱۳۶۷ - ۱۳۵۷
- ۴..... یک - رویدادهای تابستان ۱۳۶۷
- ۵..... ۱- دادگاه هایی به سبک تفتیش عقاید
- ۶..... ۲ - چند نفر اعدام شدند؟
- ۷..... دو - خودداری حکومت از اذعان به اعدام ها
- ۸..... سه - خانواده های قربانیان: در پی حقیقت و عدالت
- ۹..... چهار - تحلیل حقوقی
- ۱۰..... پنج - نتیجه گیری و توصیه ها
- ۱۲..... پیوست یک: فتوای آیت الله خمینی
- ۱۳..... پیوست دو: پاسخ آیت الله خمینی به رییس وقت قوه قضائیه
- ۱۴..... پیوست سه: مسئولان عالی رتبه در زمان کشتار ۱۳۶۷

عکس روی جلد: محل برگزاری مراسم برای قربانیان کشتار ۱۳۶۷ گورهای دسته جمعی در خاوران (برگرفته از:

jbehkish.blogspot.com)

مقدمه

یک ربع قرن پیش، در تابستان ۱۳۶۷، هزاران زندانی سیاسی ایرانی که پیشتر محاکمه شده بودند و حکم های زندان خود را می گذراندند، دوباره در دادگاه های نمایشی مورد محاکمه قرار گرفتند و اعدام شدند.

دولتمردان و مسئولان ایرانی، که بعضا در آن زمان نیز بر مصدر قدرت بودند، تاکنون از پذیرش ارتکاب این جنایت های عظیم و هولناک - که به نظر فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر و جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران باید به عنوان اعدام های فراقضایی و خودسرانه و جنایت علیه بشریت توصیف شوند - سر باز زده اند.

این مسئولان همچنین از اجرای عدالت در مورد مرتکبان جنایت ها خودداری و اعضای خانواده های قربانیان را از حق آگاهی از محل دفن عزیزانشان و به طور کلی آگاهی از حقیقت و حق سوگواری محروم کرده اند.

با این پس زمینه، فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر و سازمان عضو آن، جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران، تصمیم گرفته اند گزارش حاضر را به عنوان ادای سهمی در کوشش های مداوم برای حقیقت یابی در زمینه کشتار زندان ها منتشر کنند و بر این واقعیت تاکید کنند که «جنایت های علیه بشریت» به هیچ وجه مشمول مرور زمان نمی شوند. در مواجهه با خودداری جمهوری اسلامی ایران از اجرای تعهد خود بر اساس حقوق بین المللی حقوق بشر برای تحقیق و پیگرد مرتکبان جنایت ها، تحقق این تعهد وظیفه جامعه بین المللی است.

گزارش حاضر بر پایه پژوهش مستند تهیه شده است: اطلاعات و گزارش هایی از منابع مورد اعتماد، اظهارات مسئولان ارشد، گزارش های روزنامه های داخلی، خبرگزاری ها و رسانه ها و سازمان های غیردولتی، و پژوهش های علمی مورد استفاده قرار گرفته اند.

زمینه: ۱۳۶۷ - ۱۳۵۷

کشتار زندان ها در سال ۱۳۶۷ گسترده ترین اعدام های دسته جمعی در تاریخ اخیر ایران به شمار می رود، اما در خلأ رخ نداده و بدون پیشینه نبوده است. حاکمان جدید ایران که در انقلاب ضد دیکتاتوری ۱۳۵۷ قدرت را به دست گرفتند، بلافاصله اعدام های فوری رهبران نظامی و غیرنظامی رژیم پیشین را پس از دادگاه های نمایشی و بدون بهره مندی از موازین قانونی و کیل یا از طریق اعدام های فراقضایی آغاز کردند.

در دو سال پس از انقلاب در جمهوری اسلامی ایران که تازه تاسیس شده بود، بیشتر قربانیان اعدام های فوری و فراقضایی از جوامع قومی گرد، ترکمن و عرب بودند که می کوشیدند پس از چندین دهه سرکوب حقوق خود را به دست آورند.

دهه بعد با موجی از وحشت دولتی و اعدام های گسترده و پر شمار در سال ۱۳۶۰ آغاز شد. اعدام تعدادی زیادی از اعضا و هواداران گروه های مخالف با طناب دار یا جوخه آتش، بدون محاکمه یا در بهترین حالت پس از چند دقیقه بازجویی، در سراسر دهه ۱۳۶۰ ادامه یافت.^۱

^۱نگاه کنید به گزارش مشترک فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر و جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران: *مجازات اعدام - سیاست دولتی ایجاد وحشت*

جنگ ادامه دار ایران و عراق (۱۳۶۷-۱۳۵۹) بهانه ای در اختیار حکومت قرار داد تا هر گونه مخالفت سیاسی را سرکوب کند. اما جنگ در سال های ۱۳۶۷-۱۳۶۶ به پایانی ناکام نزدیک می شد.^۲ صدها هزار جوان که در جبهه ها جنگیده بودند به زودی از جنگ بازمی گشتند و مشکلات زیادی را با خود به همراه می آوردند. مشکلات عظیم اقتصادی که در اثر به پایان رسیدن موجودی ارزی که صرف هزینه های جنگ شده بود، حکومت را با تهدید ورشکستگی روبرو کرده بود. بدتر از همه، فوت رهبر بلامنازع آن زمان آیت الله خمینی - که بی تردید می توانست بسیاری از پیروان حکومت را مهار کند - قابل پیش بینی بود. به نظر می رسد با چنین چشم اندازی، رهبران اصلی ایران در سال ۱۳۶۶ یا اوایل ۱۳۶۷ به این نتیجه رسیدند که نمی توانند مشکل غیرقابل حل دیگری را به مشکلاتشان بیفزایند. حکم زندان بسیاری از فعالان سیاسی زندانی کم کم به پایان می رسید. ظاهراً، دولتمردان به این باور رسیده بودند که با رهایی هزاران فعال سیاسی از زندان و از سرگیری دوباره فعالیتشان، آنها با چالش به شدت بزرگ یا شاید غیرقابل حلی روبرو خواهند شد.

یک - رویدادهای تابستان ۱۳۶۷

در نیمه دوم تیرماه ۱۳۶۷، دولتمردان ایران به دستور مستقیم اولین رهبر جمهوری اسلامی ایران، آیت الله خمینی، چندین هزار زندانی سیاسی را که چند سال پیشتر در دادگاه های ناعادلانه محاکمه شده و حکم زندان خود را سپری می کردند، دوباره «محاکمه» کردند.

آیت الله خمینی در فتوایی صریح^۳ کمیسیونی سه نفره را در تهران با عضویت «حجت الاسلام [حسین علی] نیری [حاکم شرع]، آقای [مرتضی] اشراقی [دادستان تهران] و نماینده ای از وزارت اطلاعات» منصوب کرد. وزارت اطلاعات معاون وزیر حجت الاسلام مصطفی پورمحمدی^۴ را به این کمیسیون منصوب کرد. آیت الله خمینی همچنین دستور داد کمیسیون های مشابهی در مراکز استان ها تشکیل شود.

آیت الله خمینی در فتوای خود حکم کرد که تمام زندانیانی که هنوز بر باورهایشان پابرجا بودند - «بر سر موضع نفاق خود پافشاری کرده و می کنند» - «محارب و محکوم به اعدام» هستند (پیوست یک). در پاسخ رییس وقت قوه قضاییه آیت الله عبدالکریم موسوی اردبیلی که در باره زندانیان دارای محکومیت خواهان توضیح شده بود، آیت الله خمینی در نامه دیگری حکم خود را مورد تایید قرار داد.^۵

این فتوا به طور مشخص اعضا و هواداران سازمان مجاهدین خلق^۶ را در بر می گرفت که آیت الله خمینی با عنوان «منافقین»^۷ نامیده بود. اما آیت الله منتظری فاش کرده است که «یک نامه دیگری از امام گرفتند برای افراد غیرمذهبی و کمونیست در زندان ... که با این نامه کلک آنها را هم بکنند».^۸

^۲ عراق قطعنامه سازمان ملل برای پایان جنگ را پیشتر پذیرفته بود اما ایران آن را در ۲۷ تیر ۱۳۶۷ پذیرفت.

^۳ نگاه کنید به پیوست یک به کپی نامه دست نوشت و بدون تاریخ آیت الله خمینی به مقام های قضایی که آیت الله حسین علی منتظری در خاطرات خود (جلد ۱، ص ۶۲۶) (<http://www.amontazeri.com/farsi/khaterat/html/0562.htm>) منتشر کرده است. بر اساس اطلاعات بیشتری که در این خاطرات آمده، می توان به این نتیجه رسید که آیت الله خمینی نامه را در تاریخ ۶ مرداد ۶۷ نوشته است (ص ۶۲۳). آیت الله منتظری در آن زمان به عنوان جانشین آیت الله خمینی و رهبر آینده کشور منصوب شده بود. اعتراض های او علیه اعدام ها و مسایل دیگر در عمل به برکناری او و خروج او از دایره خواص منجر شد. در تاریخ ۹ مرداد ۱۳۶۷، او اولین نامه از نامه های اعتراضی خود را به آیت الله خمینی نوشت و علیه تصمیم او هشدار داد.

^۴ نگاه کنید به پیوست سه

^۵ نگاه کنید به پیوست دو

^۶ سازمان مجاهدین خلق در دهه ۱۳۴۰ تشکیل شد و پیش از انقلاب علیه رژیم سلطنتی به فعالیت پرداخت. پس از حمایت از انقلاب ۱۳۵۷ به مدت دو سال، این سازمان به عراق نقل مکان کرد و در همکاری با رژیم عراق زیر نظر صدام حسین فعالیت خود را ادامه داد.

فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر + جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران: پس از ۲۵ سال، هنوز اثری از عدالت نیست - شهریور ۱۳۹۲

در نتیجه، ظرف چند ماه، هزاران زندانی سیاسی در زندان های اوین تهران، رجایی شهر (گوهردشت) در نزدیکی کرج و زندان های شیراز، دزفول، تبریز، قزوین، اراک، خرم آباد، قم، رشت، اصفهان، مشهد و شهرهای دیگر اعدام شدند.

بعضی از زندانیان سیاسی که جان به دربردند در باره اوضاع پیش از اعدام ها و در طی آنها گزارش داده اند. کمی پیش از آغاز اعدام ها، تلویزیون ها را از زندان ها بیرون بردند. توزیع روزنامه های مورد تایید حکومت به زندانیان قطع شد. زندانیان از خروج از سلول ها به هر دلیل حتماً برای رفتن به بهداری زندان منع شدند. ورود و خروج از بندها به طور کامل متوقف شد. ملاقات با خانواده ها و هر گونه تماس دیگر با بیرون از زندان به مدت چند ماه قطع شد. در زندان اوین تهران، گویا حتماً زندانبانان و کارکنان از خروج از زندان منع شدند و در حدود دو ماه در زندان ماندند.

هدف از این اقدامات از یک طرف ممانعت از رسیدن اطلاعات مشخص به خانواده ها از داخل زندان و اطلاع رسانی در باره کشتار بود. از طرف دیگر، زندانیان را در انزوای کامل و بی خبر از همه جا قرار دادند تا جلوی دریافت اطلاعات در باره وضعیت و بحث و نتیجه گیری به وسیله آنها در باره واکنش مشترک به رویدادها را بگیرند.

۱- دادگاه هایی به سبک تفتیش عقاید

کمیسیون های سه نفره که زندانیان جان به دربرده آنها را «کمیسیون های مرگ» نامیده اند، به عنوان دادگاه های نمایشی عمل می کردند. در تمام گزارش ها اتفاق نظر بر این است که این محاکمه های نمایشی تنها چند دقیقه طول کشیده و بدون حضور وکیل یا دفاع از خود انجام شده است. در حقیقت، به زندانیان حتماً اطلاع داده نشد که دوباره محاکمه می شوند. در آغاز حتماً به آنها این طور وانمود شد که برای بررسی عفو یا به منظور جابجایی در زندان بر اساس وابستگی سیاسی یا ایدئولوژی مورد بازپرسی قرار می گیرند.

زندانیا عضو یا طرفدار سازمان مجاهدین خلق در مورد وابستگی سازمانی شان مورد پرسش قرار می گرفتند. اگر پاسخ می دادند «مجاهدین»، محاکمه فوری به پایان می رسید و آنها را اعدام می کردند. اگر پاسخ می دادند «منافقین»، سوال های بیشتری می پرسیدند تا مشخص کنند که آنها واقعا از وفاداری به این سازمان دست برداشته اند یا خیر. بسیاری از زندانیان در این آزمایش مردود شدند و هزینه آن را با جان خویش پرداختند.

پرسش ها در مورد هزاران زندانی از طیف سازمان های چپ متفاوت بود. از آنها در باره اعتقاد به خدا سوال می کردند. اگر پاسخ منفی بود، به خاطر ارتداد به مرگ محکوم و فوری اعدام می شدند. این سرنوشت اولین گروه از زندانیانی بود که مورد بازپرسی قرار گرفتند. بعضی از زندانیانی که بعداً در برابر کمیسیون ها قرار گرفتند خبرهایی در باره اعدام ها دریافت کرده بودند. از میان آنها، بسیاری تصمیم گرفتند حقیقت را بگویند و با مرگ روبرو شوند ولی باورهای خود را انکار نکنند.

در نتیجه:

آنها را چهار نفر چهار نفر یا از جرّقیل حلق آویز می کردند یا در گروه های شش نفره در سالن بزرگ زندان به دار می کشیدند. برخی از آنان را نیز شبانه به پادگان های ارتش روانه می کردند تا پس از نوشتن وصیت نامه تیرباران شوند. جنازه ها

^Y دولتمردان ایران با عنوان «منافقین» از سازمان مجاهدین خلق یاد می کنند.

^A پیش گفته، *خاطرات آیت الله منتظری*، جلد ۱، ص ۶۳۹، در اینجا: <http://www.amontazeri.com/farsi/khaterat/html/0575.htm>

آیت الله منتظری این نامه یا متن آن را منتشر نکرده است. این نامه در هیچ منبع دیگری منتشر نشده است.

را پس از آغشته کردن با مواد ضد عفونی در کامیون های یخچال دار بار می زدند و شبانه در گورهای دسته جمعی دفن می کردند.^۹

بعضی دیگر تصمیم گرفتند میهم جواب بدهند. برای مثال، در جواب این پرسش که آیا مسلمان هستند، بعضی پاسخ دادند که مسلمان به دنیا آمده اند. این پاسخ بسیاری از زندانیان را نجات داد. بعضی دیگر ادعا کردند که به خدا اعتقاد دارند اما نماز نمی خوانند. در صورتی که در پاسخ به پرسش های بعدی حاضر نمی شدند بگویند نماز خواهند خواند، کمیسیون ها حکم به شلاق زدن زندانی می کردند تا زمانی که نماز بخواند یا در زیر شلاق بمیرد.

نمونه ای از محاکمه در «کمیسیون های مرگ»

آیت الله منتظری می نویسد:

یکی از قضات خوزستان ... آمد پیش من خیلی ناراحت بود می گفت: «در آنجا تندتند دارند اعدام می کنند، به یک شکلی نظر اکثریت درست می کنند، خوب تشخیص نمی دهند، اینها از عملیات منافقین ناراحت هستند و افتاده اند به جان زندانیان.» من عین مطالب ایشان را نیز در نامه ای بدین شکل برای امام منعکس کردم:

[یکی از مسئولان استان] از یکی از زندانیان برای تشخیص اینکه سرموضع است یا نه پرسید:

- تو حاضری سازمان منافقین را محکوم کنی؟ گفت آری
- پرسید حاضری مصاحبه کنی؟
- گفت آری
- پرسید حاضری برای جنگ عراق به جبهه بروی؟ گفت آری
- پرسید حاضری روی مین بروی؟
- گفت مگر همه مردم حاضرند روی مین بروند! وانگهی از من تازه مسلمان نباید تا این حد انتظار داشت.
- گفت معلوم می شود تو هنوز سر موضعی و با او معامله سرموضع انجام داد.^۱

۲ - چند نفر اعدام شدند؟

تعداد واقعی زندانیانی که در سال ۱۳۶۷ در سراسر ایران اعدام شدند روشن نیست. منابع مختلف برآوردهای متفاوتی به دست داده اند. آیت الله منتظری از «۲۸۰۰ یا ۳۸۰۰ نفر» سخن گفته است. تنها در تهران چند روز پس از شروع کشتار، ۷۵۰ نفر اعدام شده بودند.

به گفته آیت الله منتظری:

^۹کشتار زندانیان سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷؛ گزارشی از جفری رابرتسون، وکیل دادگستری؛ بنیاد عبدالرحمن برومند، تاریخ انتشار ۲۹ فروردین ۱۳۹۰؛ با کمی تعدیل در ترجمه فارسی براساس متن اصلی انگلیسی. متن فارسی در اینجا:

http://www.iranrights.org/farsi/attachments/doc_3526.pdf
^۱پیش گفته، خاطرات آیت الله منتظری، جلد ۱، ص ۶۳۳، در اینجا: <http://www.amontazeri.com/farsi/khaterat/html/0569.htm>

اول محرم شد.^{۱۱} من آقای نیری که قاضی شرع اوین و آقای اشراقی که دادستان بود و آقای رئیسی معاون دادستان و آقای پورمحمدی که نماینده اطلاعات بود را خواستم و گفتم الان محرم است حداقل در محرم از اعدام ها دست نگه دارید، آقای نیری گفت: "ما تا الان هفتصد و پنجاه نفر را در تهران اعدام کرده ایم، دویست نفر را هم به عنوان سرموضع از بقیه جدا کرده ایم کلک اینها را هم بکنیم بعد هر چه بفرمایید."^{۱۲}

آیت الله منتظری که موفق نشد از کار آنها جلوگیری کند، روز بعد، ۲۴ مرداد، نامه ای هشدارآمیز به هر چهار مقام نام برده در بالا نوشت.

سازمان های حقوق بشری برآوردهای متفاوتی به دست داده اند. عفو بین الملل در ابتدا «نام بیش از ۲۰۰۰ نفر را که بنا به گزارش ها در فاصله جولای ۱۹۸۸ [تیر ۱۳۶۷] و ژانویه [دی ۱۳۶۷] قربانی موج اعدام های مخفی سیاسی شده بودند ثبت کرد.»^{۱۳} این سازمان بعداً برآورد خود را تا ۵۰۰۰ - ۴۵۰۰ نفر اعلام کرد.^{۱۴}

آقای جفری رابرتسون، وکیل دادگستری، در گزارش پیش گفته خود نوشته است: «تا اواسط آگوست [اواخر مرداد]، حداقل ۴۰۰۰ نفر کشته شده بودند...»^{۱۵}

در مصاحبه ای در اکتبر ۲۰۱۱ (آبان ۱۳۹۰)، آقای رابرتسون تعداد کشته شدگان را با کشتار ۱۹۹۵ در سربرنیکا مقایسه کرد و گفت: «حداقل ۷۰۰۰ - ۴۰۰۰ نفر اعدام شدند.»^{۱۶}

منابع مخالفان ایران تاکنون موفق شده اند نام و مشخصات حداقل ۴۶۷۲ قربانی کشتار را گردآوری کنند.^{۱۷}

دو - خودداری حکومت از اذعان به اعدام ها

دولت‌مردان ایران هرگز آشکار به اعدام های سال ۱۳۶۷ اذعان نکرده اند. به همین منوال، آنها دلایل دقیق تصمیم شان و زمان اجرای آن را فاش نکرده اند.

اعدام ها در مقیاس گسترده در ۵ مرداد یا در آن حدود در زندان های اوین (تهران) و رجایی شهر (در نزدیکی کرج) شروع شد که باعث این تصور شده که موج اول اعدام ها، یعنی کشتار اعضای مجاهدین، در واکنشی شتاب زده به تهاجم بزرگ این سازمان زیر سایه رژیم عراق در پی آتش بس ۲۷ تیر بین ایران و عراق در جنگ ۸ ساله رخ داده است.

بعضی منابع نزدیک به دولت‌مردان کنونی ایران این ادعا را مطرح کرده اند.^{۱۸} آیت الله منتظری نیز اشاره کرده که نامه آیت الله خمینی در واکنش به تهاجم نوشته شده است.

^{۱۱} محرم اولین ماه سال قمری است و مبارک محسوب می شود. اول محرم در سال ۱۳۶۷ برابر با ۲۳ مرداد و ۱۴ آگوست ۱۹۸۸ بود.

^{۱۲} پیش گفته، *خاطرات آیت الله منتظری*، جلد ۱، ص ۶۳۵، در اینجا: <http://www.amontazeri.com/farsi/khaterat/html/0571.htm>

^{۱۳} ایران: نقض حقوق بشر ۱۹۹۰-۱۹۸۷، *عفو بین الملل*، MDE 13/21/90

^{۱۴} بیستمین سالگشت «کشتار زندان» ۱۳۶۷، *عفو بین الملل*، MDE 13/118/2008

^{۱۵} منبع پیش گفته، *کشتار زندانیان سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷*، ص ۱۱۵

^{۱۶} *گردهمایی درباره اعدام شدگان سال ۱۳۶۷ در دانشگاه آکسفورد*، بی بی سی فارسی، ۵ آبان ۱۳۹۰ (۲۷ اکتبر ۲۰۱۱)، در اینجا:

http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2011/10/111027_178_67_exec_conf.shtml

^{۱۷} *لیست قتل عام ۱۳۶۷*، کمیته دفاع از حقوق بشر در ایران - سوئد، سپتامبر ۲۰۱۰، در اینجا:

<http://www.komitedefa.org/text/edamha67.pdf>

^{۱۸} برای مثال، *پاسداشت حقیقت*، کتابی است که آقایان عباس سلیمی نمین و مسعود رضایی در پاسخ به خاطرات آیت الله منتظری نوشته اند. گفته می

شود هر دو از مسئولان پیشین وزارت اطلاعات هستند. این کتاب را از اینجا می توان دریافت کرد:

<http://www.teribon.ir/files/pasdasht.pdf>

مجاهدین خلق به کشور جمهوری اسلامی ایران حمله کردند... در همان زمان بعضی تصمیم گرفتند که یک باره کلک مجاهدین را بکنند و به اصطلاح از دست آنها راحت شوند، به همین خاطر نامه ای از امام گرفتند.^{۱۹}

اما نامه آیت الله خمینی هیچ اشاره ای به تهاجم سازمان مجاهدین خلق ندارد. یرواند آبراهامیان، استاد ممتاز تاریخ در کالج باروک در امریکا، می گوید فرایند و تدارک عملی اعدام های دسته جمعی در تاریخ ۲۸ تیر، شش روز پیش از شروع تهاجم مجاهدین خلق آغاز شده است.^{۲۰}

بعضی از زندانیان پیشین با بازاندیشی گفته اند که چند ماه پیش از واقعه نشانه هایی در رفتار مسئولان زندان وجود داشته است.^{۲۱}

آقای جفری رابرتسون، وکیل دادگستری، نیز نتیجه گیری می کند:

چیزی که این موضوع را بدتر می کند این است که اعدام ها یک سال پیشتر برنامه ریزی شده بود. زمان و محل اعدام ها نیز تعیین شده بود.^{۲۲}

کاملاً روشن است که بسیاری از مسئولان تراز اول از کشتار آگاه بودند و بعضی از آنها مستقیمتر در سمت های فرمان دهی قرار داشتند. تعدادی از این مسئولان هنوز وجود دارند و بعضی از آنها هنوز در قدرت هستند (پیوست سه). بعضی از آنها که در آن زمان در سمت های عالی رتبه بودند، از جمله رهبر کنونی آیت الله خامنه ای، رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام آیت الله علی اکبر هاشمی رفسنجانی، رییس پیشین قوه قضاییه آیت الله عبدالکریم موسوی اردبیلی و نخست وزیر پیشین میر حسین موسوی به طور ضمنی به وقوع اعدام ها اذعان کرده اند، اما از اذعان به آنها به طور علنی یا افشای اطلاعات مشخص در باره آنها یا صدور دستور تحقیق در باره آنها سر باز زده اند.

سه - خانواده های قربانیان: در پی حقیقت و عدالت

قربانیان اعدام ها در محل های مختلفی دفن شده اند. دولتمردان تنها در مهر و آبان ۱۳۶۷ اطلاع رسانی به خانواده های اعدام شدگان را شروع کردند اما محل دفن آنها را فاش نکردند. خانواده هایی که از احتمال دفن در گورهای دسته جمعی خبردار شده بودند در گورستان های مختلف به جستجو پرداخته بودند. در اواخر مرداد ۱۳۶۷، بعضی از آنها «تعدادی جنازه را، بعضی با لباس، بعضی در کفن، در گورهای بدون نشانه در بخشی از گورستان که به زندانیان سیاسی چپ اختصاص یافته بود،»^{۲۳} در جایی از گورستان خاوران در جنوب تهران پیدا کرده بودند که مسئولان آن را «لعنت آباد» می نامند، چون گویا تعداد زیادی از فعالان چپ در آنجا دفن شده اند.

^{۱۹} پیش گفته، *خاطرات آیت الله منتظری*، جلد ۱، ص ۶۲۳

^{۲۰} *Tortured Confessions: prison and public recantations in modern Iran*, Chapter 5, Mass Executions of 1988, p. 209, University of California Press, 1999

«قرار زیر شکنجه: زندان و توبه های علنی در ایران مدرن»، فصل پنجم، اعدام های دسته جمعی ۱۳۶۷، ص ۲۰۹، انتشارات دانشگاه کالیفرنیا، ۱۹۹۹
^۱ اعدام های ۶۷ از سال قبل برنامه ریزی شده بود، رضا علیجانی، ۲۹ مهر ۱۳۹۰، در اینجا:

<http://news.gooya.com/politics/archives/2011/10/129902.php>؛ گردهمایی درباره اعدام شدگان سال ۱۳۶۷ در دانشگاه

آکسفورد، مهدی اصلانی، بی بی سی فارسی، ۵ آبان ۱۳۹۰ (۲۷ اکتبر ۲۰۱۱)، در اینجا:

http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2011/10/111027_178_67_exec_conf.shtml

^{۲۲} منبع پیش گفته، گردهمایی درباره اعدام شدگان سال ۱۳۶۷ در دانشگاه آکسفورد

^{۲۳} ایران: نقض حقوق بشر ۱۹۹۰-۱۹۸۷، *عفو بین الملل*، MDE 13/21/90

از آن پس، در ۲۵ سال گذشته، اعضای خانواده های قربانیان همواره در پی دریافت اطلاعات در باره عزیزانشان، دلایل محاکمه دوباره و اعدام فوری آنها و محل دفن آنها بوده اند و خواهان اجرای عدالت در باره مرتکبان جنایت ها شده اند.

باوجوداین، مسئولان پیوسته از انجام تحقیقات در باره جنایت ها یا حتا ارایه اطلاعات در باره قربانیان سر باز زده اند. آن دسته از اعضای خانواده قربانیان که کوشیده اند پرده از روی حقیقت بردارند، پیوسته مورد اذیت و آزار و از جمله در سطح قضایی قرار داشته اند.

ده ها نفر از حامیان مادران خاوران^{۲۴} و مادران پارک لاله^{۲۵} که به عنوان مادران عزادار نیز شناخته می شوند، بازداشت شده اند، مورد پیگرد قرار گرفته اند، زندانی یا ناگزیر از ترک کشور شده اند. چندین نفر از آنها در حال گذراندن حکم زندان هستند: خانم ژیلا کرمزاده - مکوندی، خانم حلیمه شکری و آقای محمد ابراهیمی. بعضی دیگر به زندان محکوم شده و در خطر دستگیری به سر می برند. از این جمله هستند: خانم منصوره بهکیش، خانم ندا مستقیمی و آقای مهدی رضانی.

خانواده های قربانیان که هر سال در اوایل شهریور می کوشند بر گورهای دسته جمعی در خاوران یا گورستان های دیگر حاضر شوند و یاد عزیزانشان را زنده نگه دارند، مرتب به وسیله سازمان های امنیتی و اطلاعاتی احضار می شوند و مورد تهدید قرار می گیرند.

امسال، بیست و پنجمین سالگشت کشتار، نیز استثنا نبوده است. در روز ۱۰ شهریور، نیروهای امنیتی خانواده ها و خویشان اعدام شدگان را از ورود به گورستان خاوران بازداشتند. خانم منصوره بهکیش، که شش عضو خانواده اش را در اعدام های اوایل دهه ۱۳۶۰ و سال ۱۳۶۷ از دست داده است، در بیانیه ای که در روز ۱۲ شهریور منتشر کرد نوشت که او و مادر ۹۰ ساله اش قصد داشتند در روز ۱۴ شهریور مراسمی برگزار کنند، اما مسئولان وزارت اطلاعات او را در روز ۶ شهریور احضار کرده و هشدار داده اند که برنامه اش را اجرا نکند.

علاوه بر این، دولتمردان کوشیده اند بازمانده شواهد جنایت های ۱۳۶۷ را از بین ببرند، اما تاکنون موفق نشده اند. در دی ماه ۱۳۸۷، بولدوزرها بعضی از علامت های روی گورها را که خانواده های اعدام شدگان در خاوران نشانه گذاری کرده بودند از بین بردند. این کار آشکارا به قصد انکار حق خانواده های قربانیان کشتار ۱۳۶۷ در دانستن حقیقت و عدالت انجام گرفت. باوجوداین، در بعضی شهرها مثل رشت، مرکز استان گیلان، که از توجه بین المللی برخوردار نبوده، محل گورهای دسته جمعی صاف شده و جای آن را گورهای تازه گرفته است.

چهار - تحلیل حقوقی

بر اساس ماده ۷ اساسنامه دادگاه بین المللی جزایی، «جنایت علیه بشریت» به معنای هر یک از اعمال زیر است که به عنوان بخشی از یک حمله گسترده یا نظام - مند با دانش بر چنین حمله ای ضد غیرنظامیان صورت بگیرد:

الف) قتل؛ (...آزار و اذیت هر گروه یا مجموعه قابل تشخیص بر پایه سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی، جنسیتی به تعریف ماده ۳، یا هر دلیل دیگری که عموماً در حقوق بین المللی غیرمجاز شناخته شود، در ارتباط با هر عمل مورد اشاره در این بند یا هر جنایتی در حیطه صلاحیت قضایی دادگاه.

در بند ۱:

الف) «حمله به هر گروه از غیرنظامیان» به معنای مجموعه رفتاری است شامل ارتکاب چندگانه اعمال مورد اشاره در بند ۱ علیه هر گروه از غیرنظامیان که پیرو سیاست یک کشور یا سازمان برای ارتکاب چنین حمله ای یا برای پیشبرد آن صورت گیرد؛ (...)

^{۲۴} زنانی که فرزندانشان در گورستان خاوران دفن شده اند.

^{۲۵} زنانی که فرزندانشان از اوایل دهه ۱۳۶۰ اعدام، کشته یا ناپدید شده اند، از جمله پس از انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸

«آزار و اذیت» به معنای محرومیت عمدی و شدید از حقوق اساسی بر خلاف حقوق بین‌المللی به دلیل هویت یک گروه یا مجموعه است.

کشتار گسترده فراقضایی چندین هزار مخالف سیاسی که در زندان‌های مختلف ایران انجام شده، بدون تردید، جنایت ضد بشریت به شمار می‌رود. گستره اعدام‌ها، وجه مشترک آنها و محاکمه‌ها و همگرایی شهادت‌ها ثابت می‌کنند که این کشتار گسترده و نظام - مند بوده است. قربانیان غیرنظامی بوده‌اند؛ یا اعضا و هواداران سازمان مجاهدین خلق یا زندانیان سیاسی که چپ یا بی‌خدا محسوب می‌شدند. آنها به خاطر عقاید سیاسی و دینی (یا غیردینی) خود مورد آزار و ستم قرار گرفته‌اند. بالاترین دولت‌مردان از کشتار آگاهی داشته‌اند و مدارک مطرح در پیوست‌های این گزارش نشان می‌دهد که بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران آیت‌الله خمینی و چند تن از مسئولان عالی‌رتبه دیگر مستقیم در این جنایت‌ها شرکت یا معاونت داشته‌اند.

بر اساس حقوق بین‌المللی عرفی که در زمان ارتکاب جنایت‌های ۱۳۶۷ نیز معتبر بوده است، جنایت‌های ضد بشریت مشمول هیچ‌گونه مرور زمانی نمی‌شوند. بنابراین، تحقیق در باره این جنایت‌ها و پیگرد مسئولان آنها هنوز از تعهدات دولت‌مردان جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود.

به علاوه، حق اطلاع، دانستن حقیقت، عدالت و غرامت خانواده‌های قربانیان به طور عمده در حقوق بین‌المللی و رویه بین‌المللی قضایی تعریف شده است.

بر اساس «مجموعه اصول سازمان ملل برای ترویج و حمایت از حقوق بشر از طریق اقدام به مبارزه با معافیت از مجازات»، حق دانستن حقیقت انکارناپذیر است.

صرفنظر از هر محاکمه حقوقی، قربانیان و خانواده‌های آنها بدون شمول مرور زمان از حق دانستن حقیقت در باره شرایط وقوع نقض حقوق و، در صورت مرگ یا ناپدید شدن، سرنوشت قربانی برخوردار هستند.^{۲۶}

بنابراین، حکومت‌ها باید اقدامات متناسبی را در پیش بگیرند که اقدامات قضایی و غیرقضایی برای تضمین این حقوق را در برگیرند. در نتیجه، شکل مهمی از غرامت،

در مورد ناپدید شدن قهری، حق خانواده قربانی مستقیم برای اطلاع از سرنوشت و/یا محل شخص ناپدیدشده است و در صورت مرگ، جنازه شخص به محض شناسایی باید به خانواده بازگردانده شود، صرفنظر از این که مرتکبان جنایت شناسایی شده یا مورد پیگرد قرار گرفته باشند یا نباشند.^{۲۷}

پنج - نتیجه‌گیری و توصیه‌ها

کشتار عظیم ۱۳۶۷ جنایت ضد بشریت است. دولت‌های پیاپی جمهوری اسلامی ایران کاری برای تحقیق در باره این جنایت‌ها و پاسخگو ساختن مسئولان آنها نکرده‌اند. برعکس، آنها هر اقدام خانواده‌های قربانیان برای دریافتن حقیقت و برگزاری یادبود خویشاوندان درگذشته‌شان را سرکوب کرده‌اند.

فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر و جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران در بیست و پنجمین سالگشت کشتار گسترده از حکومت ایران می‌خواهند:

^{۲۶} اصل ۴ از گزارش کارشناس مستقل برای به روز رسانی مجموعه اصول مبارزه با معافیت از مجازات (E/CN.4/2005/102/Add.1)

^{۲۷} اصل ۳۴ از گزارش کارشناس مستقل برای به روز رسانی مجموعه اصول مبارزه با معافیت از مجازات (E/CN.4/2005/102/Add.1)

- به انکار حقوق خانواده های قربانیان در دسترسی به حقیقت در باره سرنوشت قربانیان، آگاهی از محل دفن عزیزانشان و سوگواری برای آنها پایان دهند؛
- محل جنازه های قربانیان را مشخص و شناسایی کنند و آنها را به خانواده هایشان بازگردانند؛
- دعوت موجود از کارشناسان سازمان ملل را به اجرا بگذارند و گزارشگر ویژه حقوق بشر در ایران، و گزارشگران ویژه سازمان ملل برای اعدام های فراقضایی، فوری و خودسرانه؛ شکنجه؛ ترویج حقیقت، عدالت، غرامت و تضمین عدم تکرار؛ و گروه تحقیق در باره ناپدید شدن های قهری را به ایران دعوت کنند. این کارشناسان باید از آزادی تماس با خانواده های قربانیان و زندانیان سیاسی پیشین و نیز دیدار از گورستان خاوران برای بررسی گورهای دسته جمعی و یافتن بهترین راه انجام تحقیقات در باره اعدام های ۱۳۶۷ برخوردار باشند.
- این جنایت ها را به منظور تعیین مسئولیت های سازمانی و فردی مورد تحقیق قرار دهند؛
- مسئولان آنها را مورد پیگرد قرار دهند؛
- از نابود کردن مدارک و شواهد جنایت ها بپرهیزند.

فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر و جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران همچنین به جامعه بین المللی توصیه می کنند:

- در قطعنامه مجمع عمومی آتی سازمان ملل در باره ایران از جمهوری اسلامی ایران بخواهد تا به معافیت از مجازات که پس از اعدام های دسته جمعی ۱۳۶۷ ادامه داشته پایان دهد.
- سرانجام، فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر و جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران از دبیرکل سازمان ملل و گزارشگر ویژه حقوق بشر در ایران درخواست می کنند:
- در گزارش های آتی خود مشاهدات مشخص و توصیه هایی را در باره اعدام های دسته جمعی ۱۳۶۷ و آزار ادامه دار خانواده های قربانیان بگنجانند.

پیوست یک: فتوای آیت الله خمینی^{۲۸}

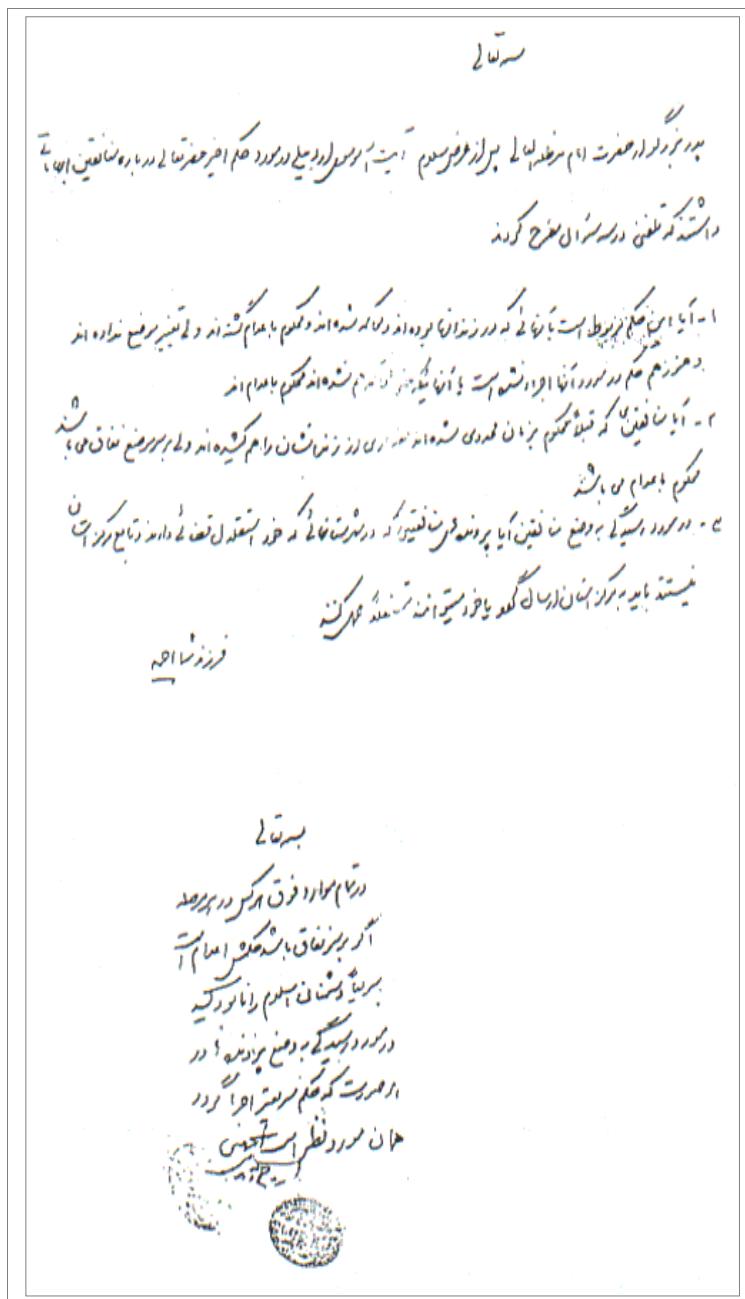
بسم الله الرحمن الرحيم

در آنجا که منافقین فاسق بیعیجه به اسلام معتقد شوند و بر چه میگویند لزوم صلح وفاق اینست و در آنجا که اینها
به اسلام ندرت پیدا کرده اند و با تبعه به محارب بودن آنها و جنگها را لازم میدانند آن در شالی و غیره خوب است
با اینها در حربه عین عراق و کربلا کسی تا آن بر صلح علیه ملت مسلمان با و با تبعه به ارتباط آن با
استکبار جهانی و صفات ناجورانه آن ندرت پیدا میکنند و همواره سده میگویند که آن که در روز قیامت
سر بر کوه بر موضع فدا خود با فدا کردن میکنند محارب و منکم به هدیم میکنند و شمع مرفوع نرود
توان با دارا کثرت آیتان هم به اسلام نریزی و حجاب و شراعت و نهانید از قدرت طاعت
از مصلحت در جماعت است. و این طرد در زندانها را از آن کشور با کثرت آیتان قاضی شرع
دارستان بطلب و یاد داریار و نهانید از قدرت طاعت منم در جماعت همیشه در جماعت
سان انزلی است. قاطعیت اسلام در برابر دشمنان خدا از جمله ترویج ناپذیر نظام
است. اسیر دلم با چشم و کینه بنده به خدمت دشمنان اسلام رضایت خداوند متعال را
آیتان که شمع مرفوع به عهد آن است و بر سر دست و تندی کند و سعی کند «استاد
عالم» باشد. ترویج در سایر نقاط اسلام بنده به نادیده گرفتن خون پاک و مظهر
شهادت میباشد در اسلام جمع است

^{۲۸} در اینجا: <http://www.amontazeri.com/farsi/khaterat/html/0562.htm>

پیوست دو: پاسخ آیت الله خمینی به رییس وقت قوه قضاییه^{۲۹}

بخش اول سند متن سوال هایی است که رییس قوه قضاییه، آیت الله عبدالکریم موسوی اردبیلی در گفتگوی تلفنی با پسر آیت الله خمینی، احمد خمینی، پرسیده است. پاسخ آیت الله خمینی پس از متن پرسش ها آمده است.



^{۲۹} در اینجا: <http://www.amontazeri.com/farsi/khaterat/html/0563.htm>

پیوست سه: مسئولان عالی رتبه در زمان کشتار ۱۳۶۷

بسیاری از مسئولان گذشته و کنونی باید پاسخگو باشند و در باره رویدادهای ۱۳۶۷ توضیح بدهند. فهرست کوتاه و غیرجامعی از این گونه مسئولان در زیر ارائه می شود.

۱ - آیت الله علی خامنه ای، رهبر کنونی و رییس جمهوری وقت، گویا در آذر ۱۳۶۷ در «جلسه پرسش و پاسخ با ریاست جمهوری در باره حقوق بشر» گفته است:

مگر ما مجازات اعدام را لغو کردیم؟ ما مثل بسیاری از کشورهای دنیا مجازات اعدام داریم. برای چه کسانی؟ برای کسانی که جرایم آن ها مستوجب اعدام است. هر کس این جرایم را مرتکب شود ما اعدامش می کنیم. قوم و خویش و بیگانه هم ندارد. آن آدمی که در زندان با منافقین در حمله مسلحانه به داخل مرزهای جمهوری اسلامی و با دشمن بیگانه، آن فجایع در اسلام آباد، کرد و آنجاها به راه انداختند ارتباط دارد، آیا به عقیده شما باید به او نقل و نبات داد. اگر ارتباطش با آن دستگاه خائنانه مشخص شد باید چه کارش کنند. این از نظر ما محکوم به اعدام است و اعدامش هم می کنیم و ما این حرکت را پوشیده نمی گذاریم.^{۳۰}

۲ - آیت الله علی اکبر هاشمی رفسنجانی، رییس وقت مجلس و فرمانده کل قوای مسلح که به طور کلی در سلسله مراتب حکومتی فرد شماره ۲ به شمار می رفت، معمولاً از اظهارات روشن در باره اعدام های ۱۳۶۷ پرهیز کرده، اما اظهاراتی از وجود دارد که به روشنی آگاهی کامل او از این اعدام ها را نشان می دهد. او در روزنوشت های ۱۳۶۷ خود نوشته است:

با آقای موسوی اردبیلی در باره مطالب خطبه های جمعه [۱۴ مرداد] مذاکره کردیم.^{۳۱}

به علاوه، در روز ۱۸ مرداد، در حدود ۱۰ روز پس از آغاز اعدام ها در زندان ها:

آقای علی شوشتری معاون قضایی و جانشین مسئول سازمان زندان ها آمد و راجع به زندانی ها و مخصوصاً گروهک ها و مسائل اخیر آنها در رابطه با شرارت های منافقین، اطلاعاتی داد و گفت از حدود پنج هزار زندانی گروهکی، یک سوم بر سر موضع هستند و یک سوم تائب و یک سوم منفصل.^{۳۲}

این اظهارات زمانی کاملاً قابل فهم است که عبارت فتوای آیت الله خمینی را علیه «منافقین... که در زندان های سراسر کشور بر سر موضع نفاق خود پافشاری می کنند» در نظر بگیریم. همچنین بنا به گزارش ها، آقای رفسنجانی در بهمن ۱۳۶۷ ادعان کرده که «تعداد زندانیان سیاسی اعدام شده در چند ماه گذشته کمتر از هزار نفر بود.»^{۳۳}

۳ - آیت الله عبدالکریم موسوی اردبیلی در آن زمان رییس قوه قضاییه بود و در خاطرات آیت الله منتظری شریک جرم تلقی شده است.^{۳۴}

بنا به گزارش ها، او مدعی است که «من مخالف بودم! حتی سه بار نامه» نوشته است تا مخالفت خود را ابراز کند اما «و نه نهایتاً با حکم خاص به افراد خاص کار انجام شد! من در آن اعدام ها دخالتی نداشتم.»^{۳۵} باوجود این که او ۲۳ سال پس از کشتار از

^{۳۰} رسالت، ۱۶ آذر ۱۳۶۷، به نقل از منبع پیش گفته، کشتار زندانیان سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷، جفری رابرتسون
^{۳۱} خاطرات اکبر هاشمی رفسنجانی و حذف روایت کشتار ۶۷، اکبر گنجی، ۸ تیر ۱۳۹۰ (۲۹ جون ۱۳۹۰)، در اینجا:

http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2011/06/110629_113_hashemi_memoirs_ganji.shtml

همچنین نگاه کنید به آیت الله موسوی اردبیلی در بالا در باره مطالب خطبه

^{۳۲} همان

^{۳۳} Iran Research Group, Iran Yearbook 89/90 (MB Medien & Bucher Verlagsgesellschaft mbH, 1989)

به نقل از منبع پیش گفته، کشتار زندانیان سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷، جفری رابرتسون

^{۳۴} نگاه کنید در بالا و پیوست دو

فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر + جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران: پس از ۲۵ سال، هنوز اثری از عدالت نیست - شهریور ۱۳۹۲

اشاره «مشخص» طفره رفته است، گزارش خطبه های او در نماز جمعه ۱۴ مرداد پس از تهاجم مجاهدین خلق در دست است که در آن جمعیت را در حمایت از اعدام ها تحریک می کرد:

مسأله منافقین برای ما مسأله بود... یک جمعی هم در ایران در زندان ها هستند... اکنون قوه قضاییه تحت فشار افکار عمومی است و مردم از قوه قضاییه می پرسند چرا منافقین را محاکمه می کنند و چرا آن ها اعدام نمی شوند.^{۳۶}

آیت الله منتظری نیز در خاطراتش فاش کرده است که:

من به آیت الله موسوی اردبیلی که آن زمان رئیس شورای عالی قضایی بودند پیغام دادم: «مگر قاضیهای شما اینها را به پنج یا ده سال زندان محکوم نکرده اند! مگر شما مسئول نبودید! آن وقت تلفنی به احمد آقا^{۳۷} می گویی که اینها را مثلا در کاشان اعدام کنند یا در اصفهان؟!»^{۳۸}

۴ - آقای **میر حسین موسوی**، نخست وزیر وقت، در طی مبارزه انتخاباتی ریاست جمهوری ۱۳۸۸ چند بار در باره این موضوع مورد پرسش قرار گرفت، اما هیچ گاه پاسخ مشخصی نداد. یک بار نیز به طور ضمنی گفت که دولت هیچ گاه از این رویدادها خبر نداشته است. گفته می شود او چند ماه پس از اعدام ها در مصاحبه ای با تلویزیون اتریش به شدت از آنها دفاع کرده است.^{۳۹} موسوی از بهمن ۱۳۸۹ در حبس خانگی بوده و نتوانسته است به این موضوع که در گزارش پیش گفته آقای رابرتسون مطرح شده واکنشی نشان دهد.

۵ - آیت الله **محمد محمدی ریشه‌ری** وزیر وقت اطلاعات بود و به جرات می توان گفت که مسئول انتصاب نماینده وزارت اطلاعات در کمیسیون سه نفره تهران و کمیته های مشابه در مراکز استان ها بوده است.

۶ - آیت الله **محمد موسوی خوئینی ها**، دادستان کل وقت، در موقعیت مناسبی برای داشتن اطلاعات در باره کشتار قرار داشته است.

دست اندرکاران میان رتبه

تعداد زیادی از مسئولان دیگر به طور مستقیم در اعدام ها شرکت داشتند یا بنا به گزارش ها نقش فعالی در تدارکات برای کمیسیون های سه نفره بازی کردند. بعضی از مسئولان شاخص در زندان های اوین و رجایی شهر (گوهردشت) از قرار زیر هستند:

سه عضو «کمیسیون مرگ» در تهران:

- حجت الاسلام **حسین علی نیری** قاضی شرع بود. در زمان نگارش این گزارش در اواسط شهریور ۱۳۹۲، او نایب رییس دیوان عالی کشور است.

^{۳۵} دیدار با حضرت آیت الله موسوی اردبیلی، دکتر مهدی خزعلی، ۲۰ خرداد ۱۳۹۰، در اینجا:

http://www.drkhazali.com/index.php?option=com_content&view=article&id=1094:1390-03-20-21-39-21&catid=231:1388-11-13-13-52-05&Itemid=447 یا در اینجا: <http://www.rahesabz.net/story/38397/>

^{۳۶} کیهان، ۱۵ مرداد ۱۳۶۷، به نقل از منبع پیش گفته، کشتار زندانیان سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷، جفری رابرتسون

^{۳۷} احمد خمینی پسر آیت الله خمینی بود که در شرایط بسیار مشکوکی سه سال پس از پدرش در سن ۴۹ سالگی درگذشت.

^{۳۸} پیش گفته، خاطرات آیت الله منتظری، جلد ۱، ص ۶۲۶

^{۳۹} اطلاعات، ۱ دی ۱۳۶۷، به نقل از منبع پیش گفته، کشتار زندانیان سیاسی ایران در سال ۱۳۶۷، جفری رابرتسون

- آقای مرتضی اشراقی دادستان تهران بود. گزارش هایی در باره ریاست او بر یکی از شعبه های دیوان عالی کشور وجود دارد.
- حجت الاسلام مصطفی پورمحمدی نماینده وزارت اطلاعات بود. او در دولت تازه ریاست جمهوری حسن روحانی وزیر دادگستری است.
- ده ها نفر دیگر نیز هستند.^{۴۰} فهرست زیر از مسئولان دیگری که به نوعی در کشتار شرکت داشته اند قطعا ناکامل است:
- حجت الاسلام علی مبشری اغلب جانشین حجت الاسلام نیری بود. او در حال حاضر نایب رییس دیوان عدالت اداری است.
- حجت الاسلام ابراهیم رئیسی معاون دادستان وقت تهران و اغلب جانشین آقای مرتضی اشراقی بود. در حال حاضر او معاون اول ریاست قوه قضاییه است.
- حجت الاسلام محمد مقیسه دادیار ناظر زندان رجایی شهر (گوهردشت) بود که شرکت فعالی در تدارکات برای کمیسیون سه نفره مرکزی داشت. در حال حاضر او رییس شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب اسلامی است.
- حجت الاسلام محمد اسماعیل شوشتری مسئول سازمان زندان ها بود. بعدا وزیر دادگستری شد و گویا به عنوان قاضی دیوان عالی کشور بازنشسته شد.
- حجت الاسلام سید حسین مرتضوی رییس زندان اوین بود.

نویسنده: بیژن بهاران

گزارش های پیشین فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر - جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران

- مجازات اعدام - سیاست دولتی ایجاد وحشت، اردیبهشت ۱۳۸۸
http://www.fidh.org/IMG/pdf/Death_Penalty_report_Persian_.pdf
- تبعیض ضد اقلیت های قومی و دینی در ایران، مهر ۱۳۸۹
http://www.fidh.org/IMG/pdf/FIDH_LDDHI.pdf
- سرکوب آزادی، زندان، شکنجه، اعدام... سیاست دولتی اختناق (در باره رعایت میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی)، آذر ۱۳۹۰
[http://www.fidh.org/IMG/pdf/iran-suppression_of_freedom - a state policy of repression per - 2011.pdf](http://www.fidh.org/IMG/pdf/iran-suppression_of_freedom_-_a_state_policy_of_repression_per_-_2011.pdf)
- گسترش فقر، کاهش حقوق کارگری (در باره رعایت میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی)، خرداد ۱۳۹۲
http://www.fidh.org/IMG/pdf/09_06_13_iran_persian_final_web.pdf

تماس:

فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر (FIDH) فدراسیون ۱۷۸ سازمان حقوق بشری:

www.fidh.org; asia@fidh.org

جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران (LDDHI):

www.facebook.com/lddhi.fidh

^{۴۰} فهرستی جامع باید افراد بسیاری را در شهرهای مختلف در بر بگیرد.